

هبه جدید دولت به انبوه‌سازان!

دولت با پخت‌پز وزارت عریض‌وطویل «راه و شهرسازی»، اختیار مدیریت یکی از مهم‌ترین مجوزهای صنعت ساختمان را به تشکلی سپرده است که فلسفه وجودی آن، دفاع از منافع انبوه‌سازان است و طبعاً انبوه‌سازان هم از آنجایی که خون مردم را در شیشه می‌کنند، صلاحیت در دست گرفتن چنین انحصاری را ندارند؛ چراکه در نظام‌های تنظیم‌گری، فاصله‌گذاری میان نهاد حاکمیتی، نهاد صنعتی و بازیگر بازار یکی از حساس‌ترین خطوطی است که جابه‌جایی در آن باید با دقت نهادی و حقوقی بالا انجام شود. بنابراین واگذاری مدیریت «بروانه صلاحیت‌طرح و ساخت» به تشکلی که نمایندگی منافع انبوه‌سازان را بر عهده دارد، این مزر را در نقطه‌ای قرار می‌دهد که محل بحث جدی است؛ چراکه مسئله صرف‌انقال یک وظیفه اداری نیست، بلکه جابه‌جایی در منطق تصمیم‌گیری درباره ورود به بازار ساخت‌وساز است که به دلیل حجم سرمایه، اثرگذاری بر قیمت مسکن و نقش آن در راه عمومی، ذاتاً در ردیف حوزه‌های حساس اقتصادی قرار می‌گیرد.

غالباً در چنین حوزه‌هایی، اصل تفکیک کار کردها یک قاعده پذیرفته‌شده است و نهاد صنعتی معمولاً وظیفه نمایندگی، حمایت و سامان‌دهی منافع اعضا را دارد، در حالی که مرجع صدور مجوز باید نسبت به همه متقاضیان با معیار واحد و بی‌طرفانه عمل کند. بنابراین وقتی که این دو نقش در یک نقطه تلاقی پیدا می‌کنند، مسئله نه در سطح حسن نیت یا سونیت افراد، بلکه در سطح طراحی نهادی مطرح می‌شود و حتی اگر هیچ تخلفی رخ ندهد، صرف‌رر قرار گرفتن در موقعیتی که امکان اثرگذاری منافع صنعتی بر تصمیم وجود دارد، کافی است تا حساسیت‌های حقوقی و اقتصادی فعال شود.

در ادبیات اقتصاد تنظیم‌گری، این وضعیت با مفهوم «تعارض ساختاری منافع» توضیح داده می‌شود که در آن، ساختار تصمیم‌گیری به‌گونه‌ای طراحی شده است که امکان هم‌زمانی نقش‌دآوری و نقش‌ذیف‌نفع ایجاد می‌شود و حساسیت این مفهوم نیز در آن است که برخلاف تخلف‌های فردی، به رفتار شخصی وابسته نیست و از معماری نهادی ناشی می‌شود. به همین دلیل، اصلاح آن نیز نیازمند بازطراحی سازوکارهاست.

بروانه صلاحیت‌طرح و ساخت، در عمل یک ابزار کلیدی برای تعیین ورود یا عدم ورود شرکت‌ها به بخش‌هایی از بازار ساخت‌وساز است و طبعاً چنین اثری از بی‌مستقیم بر رقابت دارد و می‌تواند مسیر فعالیت اقتصادی را برای بازیگران جدید تسهیل یا محدود کند. پس هر تصمیم درباره نحوه صدور یا مدیریت آن، به‌طور غیر مستقیم در توزیع فرصت‌های اقتصادی نیز اثر می‌گذارد و از همین زاویه، استقلال مرجع تصمیم‌گیر اهمیت دوچندان پیدا می‌کند زیرا کوچک‌ترین شبانه جهت‌گیری می‌تواند بر رفتار سرمایه‌گذاران و بینکاران اثر بگذارد.



۵۰پروژه‌های جوان

غالباً در نظام‌های حقوقی، حتی در کشورهایی که مشارکت بخش خصوصی در تنظیم‌گری گسترده است، یک اصل ثابت وجود دارد: نهاد صنعتی می‌تواند در تدوین استانداردها یا ارزیابی‌های اولیه نقش داشته باشد، اما تصمیم نهایی درباره صلاحیت حرفه‌ای، در نهادی مستقل یا تحت نظارت سخت‌گیرانه عمومی اتخاذ می‌شود. علت این تفکیک نیز حفظ اعتماد عمومی به فرایند صدور مجوز است؛ چراکه اعتماد در این حوزه یک متغیر حاشیه‌ای نیست، بلکه بخشی از سرمایه نهادی بازار محسوب می‌شود.

از همین منظر، واگذاری مدیریت این پروانه به یک تشکل صنعتی، دغدغه‌ای اساسی را درباره جایگاه دولت در نقش تنظیم‌گر ایجاد می‌کند و اگر دولت از مداخله مستقیم فاصله می‌گیرد، باید مشخص کند این فاصله یا چه سازوکار‌های جایگزینی همراه شده است و صرف انتقال مسئولیت، بدون تعریف دقیق مرجع رسیدگی به اختلافات، چارچوب شفاف تصمیم‌گیری و امکان نظارت بی‌رونی، به‌تنهایی به معنای اصلاح ساختار حکمرانی نیست.

در کنار این مسئله، بحث حقوق متقاضیان نیز مطرح می‌شود؛ چراکه در هر نظام صدور مجوز، امکان اعتراض به تصمیم، بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند عادلانه تلقی می‌شود و زمانی که مرجع تصمیم‌کننده مرجع رسیدگی به اعتراض در یک ساختار صنعتی و افکار قرار گیرد، ضرورت تعریف یک نهاد ثالث یا سازوکار مستقل برای رسیدگی به اختلافات، به‌مراتب پرنرگت می‌شود. در غیر این صورت، فرایند رسیدگی به شکایات نیز در همان ساختاری باقی می‌ماند که تصمیم اولیه را اتخاذ کرده است و این موضوع می‌تواند توازن حقوقی را تحت تأثیر قرار دهد.

از زاویه اقتصاد بخش مسکن نیز حساسیت موضوع حتی فراتر از چارچوب حقوقی است چه آنکه بازار ساخت‌وساز در شرایطی قرار دارد که هزینه تولید، ریسک سرمایه‌گذاری و سطح انتظارات عمومی هم‌زمان تحت فشار قرار گرفته‌اند و در چنین شرایطی، هر تصمیم نهادی که بتواند بر ورود بازیگران جدید، سطح رقابت یا پیش‌بینی‌پذیری مقررات اثر بگذارد، به‌طور مستقیم در رفتار بازار منعکس می‌شود و به همین دلیل، حساسیت نسبت به طراحی نهادی در این بخش، صرفاً یک بحث تئوریک نیست، بلکه اثرات عملی در سطح قیمت و عرضه مسکن دارد.

به‌هرروی اگر بخواهیم ایسن تصمیم را در چارچوب کلان‌تر کاهش تصدی‌گری دولت تحلیل کنیم، باید میان دو مفهوم واگذاری و واگذاری اجرائی و واگذاری اختیار تنظیم‌گری تفکیک قائل شد. اولی می‌تواند این‌فازسنتی کارایی همراه باشد، اما دومی نیازمند سطح بالاتری از استقلال نهادی و شفافیت تصمیم‌گیری است و زمانی که این دو بدون تفکیک دقیق جابه‌جا می‌شوند، نتیجه ممکن است به جای بهبود کارآمدی، به افزایش ابهام نهادی منجر شود.

اختلالات بانکی در شرایطی همچنان بعد از دو هفته ادامه دارد که پاسخ روشنی به مهم‌ترین پرسش افکار عمومی ارائه نشده است؛ اینکه چه زمانی تمامی خدمات بانکی بدون محدودیت و به‌صورت پایدار به وضعیت عادی باز خواهد گشت و اینکه آیا بانک‌ها برنامه‌ای برای جبران خسارات مشتریان خود دارند یا خیر. تداوم اختلالات بانکی، بازاریت‌های اساسی بر کسب‌وکارها و زندگی مردم تحمیل کرده و انتقادات گسترده‌تری را به همراه داشته است.

روز دوشنبه، معاون اول رئیس‌جمهور جلسه‌ای با مدیران بانکی تشکیل و انتقادات شدیدیدی نسبت به بی‌توجهی بانک‌ها به امنیت سایبری مطرح کرد و این اتفاق را قابل پیش‌بینی دانست.

■ ■ ■

اختلالات بانکی اگرچه در ابتدا با بانک‌های ملی، تجارت و صادرات آغاز شد، اما افزایش حجم تراکنش‌ها در سایر بانک‌ها اختلال‌های موقتی را ایجاد و ترکش آن به بخش‌های مختلف سرایت کرد. در حدود ۱۵ روز گذشته، خدمات کارت‌محور و پرداخت اقساط و قبوض مختل، خدمات بانکی مربوط به چک دچار چالش و اختلالات جدی در کسب‌وکارها ایجاد شد تا جایی که به عنوان مثال برخی طرح‌های فروش از جمله فروش خودروسازان به دلیل اختلال در درگاه‌های بانکی لغو شد.

در این مدت اگرچه بانک مرکزی، شورای هماهنگی بانک‌ها و شرکت خدمات انفورماتیک بارها با بازگشت وزارت امور اقتصادی و دارایی و دستگاه‌های مرتبط مشتریان خیر دادند، اما هنوز چشم‌انداز مشخص و پاسخ به اینکه چه زمانی تمامی خدمات بانکی بدون محدودیت و به‌صورت پایدار و به‌وضعیت عادی بازخواهد شد وجود ندارد.

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مردم به‌سه تعهدات مالی روزمره آنها مربوط می‌شود، چک‌هایی که سررسید آنها فرارسیده، اقساط تسهیلات، پرداخت‌های تجاری و سایر تعهدات بانکی از جمله مواردی هستند که در صورت اختلال در دسترسی به خدمات بانکی می‌توانند تبعات مالی و اعتباری برای مشتریان به همراه داشته باشند.

بانک مرکزی در روزهای اخیر تلاش کرده است بخشی از این نگرانی‌ها را کاهش دهد و اعلام کرده مشتریان که به دلیل اختلالات بانکی در انجام تعهدات خود با مشکل مواجه شده‌اند، نباید بابت آثار ناشی از این شرایط از جمله مسائل مرتبط با چک‌ها و سوابق اعتباری، نگران باشند. با این حال، هنوز جزئیات اجرایی این موضوع و همچنین زمان‌بندی رفع کامل مشکلات به‌صورت شفاف تشریح نشده است.

■ **انتقاد از بی‌توجهی بانک‌ها به امنیت سایبری**
معاون اول رئیس‌جمهور با انتقاد شدید از حادثه سایبری برخی بانک‌های کشور، این اتفاق را قابل پیش‌بینی دانست و تأکید کرد: آنچه در بانک‌ها رخ داد، نتیجه سهل‌انگاری در امنیت سایبری است و باید با تکیه بر دانش و فناوری

اقتصاد

سرویس اقتصادی۰۶۰۸۸۵۳۳

بی‌توجهی بانک‌ها به امنیت سایبری صدای معاون اول رئیس‌جمهور را درآورد

بانک‌ها باید خسارت اختلال را به مردم بدهند

کامران ندری، کارشناس بانکی در گفت‌وگو با «جوان»: تداوم اختلالات بانکی به ضرر مشتریان و بانک‌هاست. در فضای رقابتی، قاعدتاً بانک‌ها برای حفظ مشتریان باید خسارت‌ها را جبران کنند



بومی، امنیت سایبری کشور به‌طور جدی تقویت شود. محمدرضا عارف در جلسه بررسی حادثه سایبری بانک‌ها که با حضور مدیران بانک‌ها، بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و دستگاه‌های مرتبط برگزار شد، گفت: ما باید برای جلوگیری از این اتفاقات، ارتقای امنیت سایبری کشور را در اولویت قرار دهیم. بسیاری از سازمان‌ها بدون توجه به دانش بومی کشور و توصیه‌های دلسوزان و انجمن‌های علمی، قابلیت آسیب‌پذیری دارند.

او افزود: اسم اتفاق پیش‌آمده برای بانک‌ها را نمی‌توان حمله گذاشت؛ این یک هشدار برای حملات بدتر فرارسیده، اقساط تسهیلات، پرداخت‌های تجاری و سایر بعدی است. ما در حوزه امنیت سایبری فعالیت لازم را نداشته‌ایم و ضعف خود را به‌قوت دشمن تعبیر می‌کنیم. اتفاقی که رخ داده در حدی نیست که بخواهیم آن را به دشمن نسبت دهیم؛ یک دانشجوی جوان که سه‌واحد رمز پاس کرده باشد هم می‌تواند این کار را انجام دهد. ما باید با استفاده از مزیت دانش و فناوری بومی، امنیت

سایبری کشور را دهها برابر ارتقا دهیم.

معاون اول رئیس‌جمهور همچنین گفت: بسیاری از کسانی که در شرکت ملی خدمات انفورماتیک یا بخش‌های دیگر فعالیت دارند، از دانشجویان این‌بوده‌اند و بارها در زمانی که دولت نبود به آنان هشدار داده بودم، ممکن است چنین اتفاقاتی رخ دهد، اما متأسفانه به این هشدارها توجه نشد. اکنون اما تأکید می‌کنم مهم‌ترین مسئولیت شما تقویت امنیت سایبری کشور در برابر حملات واقعی است که ممکن است دهها برابر بزرگ‌تر از اتفاق اخیر باشد. توجه به امنیت سایبری

برای همه ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی یک توصیه نیست، یک دستور اکید و الزام است.

او ضمن تذکر جدی به مدیران حاضر در جلسه تأکید کرد: مشکلات پیش‌آمده باید در مدت کوتاهی طرف حل شود، اما برای بلندمدت نیز راهبردهای جدی تدوین شود. انجمن‌های علمی و متخصصان امنیت سایبری در کشور حضور دارند و با اتکا به دانش و فناوری بومی، هیچ نیازی به کشور دیگری نداریم و توان مقابله با حملات واقعی دهها برابر بدتر را داریم. من تخصص این است و مسئولیت این ادعا را می‌پذیرم.

معاون اول رئیس‌جمهور در پایان جلسه دستوراتی حمله گذاشت؛ این یک هشدار برای حملات فعلی فوری به نهادهای مربوطه برای حل مشکلات فعلی و نیز تقویت امنیت سایبری کشور صادر کرد و اظهار داشت: با کسی که این برنامه‌ها اجرا کند، به شدت برخورد خواهیم کرد.

■ **تداوم اختلالات بانکی به ضرر مشتریان و بانک‌هاست**

در شرایطی که اختلالات بانکی طولانی شده و زندگی روزمره میلیون‌ها ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است، این سؤال برای افکار عمومی ایجاد شده که چگونه می‌شود بانک‌ها در دریافت مطالبات خود سرعت عمل دارند، اما هنگام پاسخگویی به کندی عمل می‌کنند.

کامران ندری، کارشناس بانکی، در این باره به «جوان» می‌گوید: آنچه مسلم است این است که هیچ بانکی تعالی به این ندارد که با اختلالات گسترده، مشتریان خود را از دست بدهد. شرایط پیش‌آمده علاوه بر تحمیل زیان به مشتریان، باعث شده تا بانک‌ها نیز بخشی از

همخوانی ندارد.

دغدغه‌مندان به درستی معتقدند اصلاح این وضعیت، به تکمیل بانک اطلاعاتی ادوات کشاورزی، ثبت مستمر میزان فعالیت ماشین‌آلات و بازنگری در شاخص‌های تعیین سهمیه نیاز دارد و تا زمانی که مبنای تصمیم‌گیری بر داده‌های دقیق استوار نباشد، اختلاف بر سر میزان مصرف سوخت ادامه خواهد داشت و کشاورز همچنان هزینه ناهماهنگی در نظام توزیع را خواهد پرداخت.

تبعات وضعیت فعلی صرفاً به مزرعه محدود نمی‌شود و اختلال در تأمین سوخت، زنجیره تولید محصولات کشاورزی را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ چراکه عملیات شخم، کاشت، آبیاری، سمپاشی، برداشت و حمل محصول، زمان مشخصی دارد و وقفه در انجام این مراحل، عملکرد تولید را کاهش می‌دهد و نکته مهم‌تر آنکه کشاورز برخلاف بسیاری از فعالان اقتصادی، امکان جبران زمان از دست‌رفته را ندارد و اگر برداشت محصول چند روز به تأخیر بیفتد، بخشی از محصول از بین می‌رود یا کیفیت آن افت می‌کند. و همین موضوع درآمد بهره‌بردار را کاهش می‌دهد. بخش قابل توجهی از ماشین‌آلات فعال در مزارع کشور نیز عمر بالایی دارند و فرسودگی تراکتورها، کمباین‌ها و موتورپمپ‌ها صرف سوخت را افزایش داده و هزینه نگهداری آنها را نیز بالا برده است و بسیاری از بهره‌برداران به دلیل افزایش قیمت تجهیزات، امکان نوسازی ناوگان خود را ندارند و ناچارند با همان ماشین‌آلات قدیمی به فعالیت ادامه دهند. بنابراین طبیعی است که مصرف سوخت چنین ادواتی با استانداردهای کارخانه‌سازنده فاصله داشته باشد و همین تفاوت، در تعیین سهمیه باید مورد توجه قرار گیرد.

موضوع دیگری که کمتر به آن پرداخته می‌شود، تفاوت الگوی کشت در مناطق مختلف کشور است؛ یعنی تولید گندم، برنج، چغندر قند، نیشکر، پنبه، سیب‌زمینی، محصولات باغی یا گلخانه‌ای، هر کدام به می‌کند که چرا سهمیه تعیین‌شده با نیاز مزرعه

درد

در شرایطی که اختلالات بانکی طولانی شده و زندگی روزمره میلیون‌ها ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است، این سؤال برای افکار عمومی ایجاد شده که چگونه می‌شود که بانک‌ها در دریافت مطالبات سریع‌اند؛ اما هنگام پاسخگویی به کندی عمل می‌کنند. کارشناسان پرداخت خسارت به مشتریان را مهم‌ترین راهکار حفظ مشتریان می‌دانند

در همین ارتباط اکبر رنجبرزاده، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، ضمن انتقاد از عدم شفاف‌سازی مسئولان پیرامون بروز اختلال در سیستم بانکی کشور از وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی خواست تا در این رابطه به مجلس گزارش دهند.

او در انتقاد به تداوم اختلال در سیستم بانکی کشور که زندگی مردم را مختل کرده است، گفت: انتظار می‌رود در گام نخست مسئولان مربوطه در خصوص علل بروز این مشکل که به طور یکپارچه سیستم بانک‌ها را دچار اختلال کرده است، در حالی که این بانک‌ها عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تصریح کرده‌اند مسئولان مربوطه قبل از وقوع جنگ ۴۰روزه به نمایندگان مجلس اطمینان دادند که برای مقابله با حملات سایبری به سیستم بانکی کشور تمهیداتی اندیشیده شده است.

رنجبرزاده افزود: هم‌اکنون که جنگ به پایان رسیده است دلیلی برای بروز این مشکل وجود ندارد اما متأسفانه شاهد این هستیم که برخی مبالغی که به صورت بین‌بانکی منتقل می‌شود از مبدأ خارج شده و به مقصد نرسیده است و مشخص نیست چه اتفاقی در این حوزه افتاده است. از سوی دیگر مردم نمی‌توانند اقساط بانکی را پرداخت کنند و مسئولان نیز در این خصوص اطلاع‌رسانی نمی‌کنند که تکلیف عدم پرداخت بدهی‌ها به دلیل اختلال در سیستم بانکی چیست و آیا امتیازی برای معافیت از بروز آسیب ناشی از تأخیر در پرداخت‌ها از سوی دولت برای مردم در نظر گرفته شده است و تاکنون تمام این پرسش‌ها بدون پاسخ و در راه‌آلی از ابهام باقی مانده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد: وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی به عنوان متولیان این بخش باید هر چه سریع‌تر و دقیق‌تر اختلال موجود را رفع کنند تا مردم بیش از این دچار مشکل نشوند.

دولت سر سوخت هم با کشاورزان نامهربانی می‌کند

سهمیه سوخت کشاورزی همچنان بر پایه بر آوردها تعیین می‌شود و این روند، ناراضیتهای بهره‌برداران واقعی را افزایش می‌دهد



از توزیع سالانه حدود ۴۲میلیارد لیتر سوخت در بخش‌های مختلف کشاور کشور حکایت دارد که بخشی از آن به فعالیت‌های کشاورزی اختصاص پیدا می‌کند، اما درباره میزان مصرف واقعی ادوات، اطلاعات دقیق و مورد اتفاق همه دستگاه‌های مسئول وجود ندارد و همین اختلاف آمار، مبنای تعیین سهمیه‌ها را با ابهام روبه‌رو کرده است.

یکی از دلایل بی‌توجهی به کشاورزی کشورمان نسخه واحد نمی‌توان پیچید؛ به‌طوری که یک موتورپمپ در مناطق خشک کشور ساعت‌های طولانی برای آبیاری زمین فعالیت می‌کند، اما همان موتورپمپ در مناطق پر بارش، مصرف کاملاً متفاوتی دارد یا تراکتوری که در اراضی وسیع مشغول کار است، با تراکتوری که کمتر قطعه کوچک را شخم می‌زند، به یک میزان گازوئیل نیاز ندارد. همچنین نوع محصول، وسعت زمین، شیوه آبیاری، تعداد دفعات عملیات مکانیزه و حتی فرسودگی ماشین‌آلات، همگی بر میزان مصرف سوخت اثر می‌گذارد، اما این تفاوت‌ها همیشه در محاسبات سهمیه به اندازه کافی دیده نمی‌شوند.

گزارش ۲

زینب زرین